



سه توصیه مهم برای درک بهتر ماه رمضان / روزه داری راهی برای رسیدن به خدا

حضرت محمد(ص) فرمود: شقی‌ترین مردم کسی است که ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و او سعادتمند و آمرزیده نشود و نیز فرمود: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَزْعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» برترین عمل در ماه مبارک رمضان این است که انسان در این ماه گناه نکند.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: حضرت محمد(ص) فرمود: شقی‌ترین مردم کسی است که ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و او سعادتمند و آمرزیده نشود و نیز فرمود: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَزْعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ برترین عمل در ماه مبارک رمضان این است که انسان در این ماه گناه نکند.

با توجه به اینکه آخرین روزهای ماه شعبان در حال سپری شدن است، لازم است در این جلسه قدری راجع به ماه مبارک رمضان صحبت شود و همگی در این روزهای باقیمانده از خداوند متعال بخواهیم که با آمادگی کامل وارد ماه مبارک رمضان شویم و بتوانیم از فضائل و برکات آن ماه نورانی بهره‌مند گردیم.

توصیه پیامبر اکرم(ص)؛ در آخرین جمعه ماه شعبان

پیامبر اکرم(ص)؛ در خطبه‌ای درباره ماه مبارک رمضان، ضمن توصیه‌های مفصّلی که به مسلمانان داشتند، فرمودند: «إِنَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ حَرَجَ عَنْهُ هَذَا الشَّهْرَ وَلَمْ يُعَقِّرْ دُثُوبَهُ» [شقی‌ترین مردم کسی است که ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و او سعادتمند و آمرزیده نشود. پیامبر اکرم(ص)؛ با این بیان نورانی، از یک سو مژده و بشارت امکان دستیابی به رستگاری و حسن عاقبت در ماه مبارک رمضان را به مسلمین می‌دهند و از سوی دیگر، جمله ایشان یک تهدید جدی برای افراد بی‌تفاوت نسبت به برکات ماه مبارک رمضان محسوب می‌شود. در واقع، افرادی که ماه مبارک رمضان را درک کنند و نتوانند از این فرصت معنوی گرانبها بهره‌مند شوند و غفران حق تعالی شامل حال آنان نشود و نیز کسانی که نتوانند در این فرصت بی‌نظیر، رشد معنوی بیابند و قدمی به سوی کمال و پیشرفت بردارند، در بیان پیامبر گرامی(ص)؛ شقی‌ترین و بدبخت‌ترین مردم هستند.

همچنین آن حضرت در خطبه آخرین جمعه ماه شعبان درباره برکات این ماه فرمودند: نفس‌های شما در ماه مبارک رمضان تسبیح و خواب شما عبادت است و همه شیاطین در غل و زنجیرند. باید مراقب باشید در این ماه، خود شما غل و زنجیر شیاطین را باز نکنید. فرمودند ملائکه رحمت، مواظبت کامل نسبت به شما دارند و مراقب باشید خود را از حفظ و حراست آنها خارج نکنید و مواظبت ملائکه را از دست ندهید.

اجتناب از گناه، افضل اعمال ماه مبارک رمضان

در حین خطبه پیامبر(ص)؛ امیرالمؤمنین(ع)؛ از جابرخواستند و عرض کردند: یا رسول الله! برترین و والاترین عمل در ماه مبارک رمضان چیست؟ پیامبر اکرم(ص)؛ در پاسخ فرمودند: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَزْعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» [برترین عمل این است که انسان در ماه مبارک رمضان گناه نکند.

حتی اگر کسی ملکه عدالت را هم نداشته باشد، اما لازم است در این ماه عزیز از گناه اجتناب ورزد؛ زبان، چشم و گوش او آلوده به گناه نشود و با تمرین اجتناب از گناه، کم‌کم در آخر ماه مبارک رمضان به جایگاهی برسد که دل او هم گناه نداشته باشد. چنین کسی می‌تواند روز عید فطر، از خداوند متعال عیدی بگیرد. عیدی هر کسی هم در فراخور حال او و مطابق با میزان بهره‌مندی او از برکات ماه مبارک رمضان است؛ اما آنچه خود خداوند متعال فرموده است، اینکه: «رُزْءٌ مِنْهُ»؛ روزی که خداوند پاداش آن هستم(ص)؛ «وَأَنَا أَجْزِي بِهِ»؛

این عیدی عظیم و این پاداشی که حق تعالی برای روزه مقرر فرموده است، برای هیچ عبادت دیگری مقرر نفرموده است و معلوم می‌شود که نزد خداوند، روزه، اهمیت بسیاری دارد و نیز معلوم می‌شود که روزه ماه مبارک رمضان می‌تواند انسان را به مقام عبودیت برساند. یعنی روزه قادر است به آدمی نفس مطمئنه ببخشد و او را چنان به مقامات والای عرفانی و روحانی صعود دهد که در روز عید

فطر نظاره‌گر حکومت خداوند بر دل خویش باشد. در این حالت، هیچ چیزی و هیچ کسی بر دل او حکومت نمی‌کند به جز خداوند متعال و به عبارت دیگر، دوام توجه دارد.

قرآن کریم به چنین مقام بلندی، 171#&؛ تبتّل؛ می‌گوید و در بیان عرفا و سالکان الی الله چنین کسی انقطاع عن الناس و انقطاع الی الله دارد و تنها و تنها خدا را دارد و به سویی خدا در حرکت است.

تبتّل یا دوام توجه آن است که حضرت امام خمینی 171#&؛ ره؛ به زبان ساده فرمودند: 171#&؛ عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت خدا نکنید. [4]

قرآن کریم می‌فرماید: 171#&؛ وَ قُلْ اَعْمَلُوا فِیْ سَبِيْلِ اللّٰهِ عَمَلَكُمْ وَ رَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ [5]؛ می‌فرماید: هر عملی که می‌خواهید، انجام دهید، اما حیا داشته باشید و توجه کنید که در محضر خداوند هستید، توجه کنید در محضر رسول خدا هستید، توجه کنید در محضر همه معصومین، همه ائمه طاهرین 171#&؛ ع؛ و از جمله در محضر حضرت ولی عصر 171#&؛ ارواحنا فداه؛ هستید که فعلاً واسطه فیض عالم هستند.

به عبارت دیگر، قرآن کریم می‌فرماید: حیا داشته باشید و ادب حضور را در محضر خداوند و معصومین رعایت کنید. اگر انسان در مقابل یکی از بزرگان نشسته باشد و بداند که آن بزرگ به او توجه می‌کند، در آن حالت چشم و گوش و زبانش و حتی دلش، در اثر توجه آن شخص بزرگ به او و در اثر توجهی که او به آن شخص بزرگ دارد، منحرف نخواهد شد. یعنی به هیچ چیزی و هیچ کسی غیر از او توجه ندارد.

چند حکایت درس آموز در رابطه با ادب حضور

نقل می‌کنند که محمود غزنوی، یکی از پادشاهان ایران، غلامی به نام ایاز داشته که نزد او بسیار محبوب بوده است. ایاز، غلامی بسیار مؤدب بوده و از جهت محبوبیتی که نزد محمود غزنوی داشته، افراد حسود مکرراً سعایت و بدگویی او را می‌کرده‌اند تا بتوانند از التفات و محبت سلطان نسبت به ایاز بکاهند. روزی از روزها بدخواهان در کفش او عقری انداخته بودند تا او نتواند ادب ایستادن نزد ارباب خود را مراعات کند، ولی ایاز وقتی در مقابل سلطان ایستاده بود و با وی صحبت می‌کرد، توجهی به نیش عقب نداشت و در حالی که عقر به او را می‌گزید، همچنان در مقابل ارباب خود مؤدب ایستاد و صحبت کرد و نیش عقر از ادب او نکاست.

وقتی سلطان متوجه موضوع شد، به او گفت چرا چنین کردی؟ ایاز گفت: در هر حال و حتی با نیش عقر، ادب حضور باید مراعات شود.

در حکایت دیگری نقل می‌کنند که محمود غزنوی و همراهان او از سفر هندوستان بر می‌گشتند و بار آنها مرواریدها و درّهای بود که از هندوستان به وطن خود می‌بردند. در بین راه یکی از کیسه‌های پر از درّ گرانها بر زمین افتاد و درّهای آن در بیابان پخش شد. محمود غزنوی از درّهای ریخته، گذشت و اعلام کرد، هر کس هر مقدار درّ و مروارید بردارد، مال خودش می‌شود.

در آن هنگام همه اهل کاروان به سویی درّها شتافتند و هر کس هر چه می‌توانست جمع کرد، ولی از بین کاروان فقط یک نفر از محمود غزنوی جدا نشد و برای جمع آوری درّ نرفت و او ایاز بود.

محمود غزنوی از ایاز پرسید: تو چرا نرفتی؟ ایاز گفت: من درّی گرانبها تر و مطلوب‌تر از محمود غزنوی سراغ نداشتم و به این جهت نزد شما ماندم.

در حکایت دیگری، نقل می‌کنند روزی محمود غزنوی یک درّ شب چراغ را آورد و از وزرای خود خواست که در مقابل جمعیت، آن درّ را بشکنند. وزرا و سران حکومت، هر یک در برابر دستور پادشاه توجیهی درست کردند و چون آن درّ بسیار باارزش بود، حرف پادشاه را نشنیدند و درّ را نشکستند.

پس از آن، محمود، آن درّ را به دست ایاز داد و گفت بشکن. ایاز هم بدون درنگ و معطلی درّ را شکست. وزرا او را ملامت کردند و گفتند: چرا این درّ با ارزش را شکستی؟ ایاز گفت: اگر درّ را نمی‌شکستم کلام محمود را نمی‌شکستم و شکستن درّ برای من بهتر از شکستن کلام مولا و اربابم است.

از این حکایات آموزنده باید استفاده و بهره‌برداری معنوی در جهت رعایت ادب حضور در محضر خداوند متعال بشود. اهل معرفت با درس‌آموزی از اینگونه داستان‌ها و با عمل به نکات آموزنده آن، مسیر کمال و تقرب را طی می‌کنند.

کسانی که به راستی به ماه مبارک رمضان و برکات و ارزش‌های معنوی آن اهمیت می‌دهند و ادب حضور در محضر خداوند متعال را نظیر ادب ایاز در مقابل مولای خود، مراعات می‌کنند، در آخر ماه مبارک رمضان خود مولا و خود خداوند متعال را پاداش می‌گیرند. نظیر ایاز که با مراعات ادب در برابر مولا، تمام محبت و التفات محمود غزنوی را به سوی خود جلب کرده بود و در واقع، محمود غزنوی را پاداش گرفته بود.

وقتی خداوند، خودش عیدی و پاداش کسی شود، همه عالم وجود و همه ثروت‌ها و متعلقات دنیا، در نظر او و در برابر خداوند متعال و ارزش‌های معنوی، هیچ ارزش و جلوه‌ای ندارد. به همه دنیا پشت پا می‌زند، زیرا دائماً و کاملاً به خداوند توجه دارد.

امام حسین¹⁷¹؛ نه فقط دنیا و زندگی دنیوی، بلکه خود و حتی عیال و فرزندان خود را فدای خدا و دین خدا کردند؛ چرا که هیچ چیزی و هیچ کسی در نظر آن حضرت، با ارزش‌تر از خداوند و محبوب‌تر از اطاعت امر خداوند متعال نیست.

امیرالمؤمنین¹⁷¹؛ می‌فرماید: ¹⁷¹وَاللّٰهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أُعْصِيَ اللَّهَ فِي تَمَلُّهِ أَسْلُبُهَا جَلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ [6]؛ به خدا قسم، اگر نه تنها کره زمین، بلکه عالم وجود را به من بدهند و بگویند با امر خداوند مخالفت کن، چنین نخواهم کرد.

امیرالمؤمنین¹⁷¹؛ حاضر نیستند به اندازه گرفتن پوست جو از دهان مورچه، با فرمان حق تعالی مخالفت کنند، گر چه در مقابل این مخافت به ظاهر کوچک، همه عالم را به ایشان بدهند.

پیام این روایت امیرالمؤمنین¹⁷¹؛ و پیام آن ایثار و فداکاری امام حسین¹⁷¹؛ در کربلا و نیز پیام گفتار و رفتار همه معصومین¹⁷¹؛ این است که ای شیعیان! باید در برابر خداوند متعال، ادب حضور را مراعات کنید و خود را در محضر خداوند متعال و معصومین بدانید و گناه نکنید، نافرمانی خداوند متعال را نکنید، ظلم نکنید و با گفتار و کردار خود خداوند متعال و معصومین¹⁷¹؛ را نیازارید.

جلوه محبوب، مانع تأثیر جلوه گری اغیار

نتیجه رعایت ادب حضور و نتیجه اجتناب از گناه و نافرمانی خداوند متعال، رسیدن به مقام تبطل است؛ مقامی که در آن، انسان از همه چیز و همه کس می‌برد و به حق تعالی می‌پیوندد.

خداوند متعال وعده فرموده است که اگر کسی ماه مبارک رمضان، ادب حضور را مراعات کند، در آخر ماه، او را به مقام تبطل برساند. یعنی او را به جایگاهی می‌رساند که خود خداوند، پاداش اوست.

معمولاً بزرگان، روایت¹⁷¹؛ الصَّوْمُ لِي وَ أَتَا أَجْزِي بِهِ؛ را چنین معنا می‌کنند که خداوند می‌فرماید: روزه، مال من است و من خودم پاداش آن را می‌دهم. یعنی مثلاً بهشت را به عنوان پاداش، به روزه‌دار حقیقی عطا می‌کنم. اما من تصور می‌کنم معنای این روایت والاتر از این حرف‌هاست و خداوند متعال می‌فرماید: ¹⁷¹روژه، مال من است و من، خودم، پاداش آن هستم؛.

زیرا بهشت و نعمت‌های آن در نظر کسی که حقیقتاً روزه‌دار بوده و از گناه اجتناب کرده و حتی توجه خود را به غیر خداوند معطوف نکرده است، جلوه و ارزشی ندارد و چنین کسانی به کمتر از خود خداوند و توجه دائمی او قانع نیستند.

مرحوم دیلمی در ارشاد روایتی بیان می‌کند که در آن روایت خداوند متعال به پیامبر اکرم¹⁷¹؛ ص؛ می‌فرماید: بندگان در بهشت دارم که هر روز به آنان نظر می‌افکنم و آن‌ها با هر نظری، سعه وجودی می‌یابند. بهشت و نعمت‌های بهشت که برای آن بندگان مهیا شده‌اند، از آن‌ها نزد خداوند شکایت می‌کنند و می‌گویند: خدایا تو ما را برای این بندگان خلق کردی، اما آنان به ما اعتنا و توجه ندارند.

خطاب می‌شود: بگذارید بندگان من از رابطه با من لذت ببرند.[7]

در واقع، بهشت و نعمت‌های آن در برابر خداوند، نزد این افراد، پوچ و بی‌ارزش است. تصور نکنید این حرف‌ها محال است و چنین افرادی با این سعه وجودی، افراد خارج از تصور و دور از ذهنی هستند.

استاد بزرگوار ما علامه طباطبائی(ره) در جلسه خصوصی شب‌های جمعه، از قول استاد بزرگوارشان مرحوم آیت‌الله قاضی(ره) می‌فرمودند که آقای قاضی در دستورات اخلاقی به شاگردان خود می‌گفتند: در ارتباط‌های معنوی و در حین راز و نیاز و مناجات خود، اگر چیزی دیدید، نسبت به آن بی‌اعتنا باشید و فقط خداوند را در نظر داشته باشید.

خود علامه طباطبائی با یک تبسم شیرینی می‌فرمودند: مشغول نماز شب بودم که حورالعین با یک ظرف شراب طهور آمد. از جلو آمد، اعتنا نکردم، رفت و از طرف راست آمد، اعتنا نکردم، از طرف چپ آمد، اعتنا نکردم، مأیوس شد و رفت.

ایشان فرمودند: هرگاه یأس او را به یاد می‌آورم، برای او ناراحت می‌شوم.

رسیدن به این مقامات مشکل است، اما کسی نباید تصوّر کند غیر ممکن است. انسان می‌تواند در یک ماه مبارک رمضان، با عمل دقیق به واجبات و با اجتناب جدی از گناه و پرهیز از مکروهات و شبهات و نیز با اهمیّت به مستحبات و نوافل، به چنین جایگاهی برسد و در عید فطر، خود خداوند را عیدی بگیرد.

گروهی از مردم در پایان ماه مبارک رمضان، به بهشت می‌رسند، گروهی حسن عاقبت از خدا می‌گیرند، پاداش برخی آخرت است و بالاخره هر کسی متناسب با اعمال خود و بر اساس میزان بهره‌مندی خود از برکات ماه رمضان، پاداشی می‌گیرد، اما انسان زرنگ آن است که در عید فطر خود خداوند را عیدی بگیرد و به کمتر از رسیدن به حق تعالی رضایت ندهد.

روزهداری، راهی برای رسیدن به خداوند متعال

روزهداری، مخصوصاً در این زمان مشکل است؛ اما کسانی که به مقام و منزلت معنوی خاصی رسیده‌اند، برترین لذت آنان همین روزهداری، آن هم در روزهای گرم و طاقت‌فرسا است. حضرت مریم¹⁷¹؛ در پایان عمر به همراه حضرت عیسی¹⁷¹؛ آواره کوه و بیابان بودند. اما با این اوضاع و در روزهای گرم روزهدار بودند. حضرت عیسی¹⁷¹؛ برای تهیه مقداری گیاه بیابان رفته بود تا افطار کنند. وقتی برگشت، حضرت مریم از دنیا رفته بود. حضرت عیسی با معجزه الهی، مادر خویش را زنده کرد و گفت: آیا می‌خواهی به دنیا برگردی؟ حضرت مریم با اینکه در بهشت بود و مقام عنداللهی داشت، گفت: آری، می‌خواهم به دنیا برگردم. چرا؟ برای اینکه در دل شب عبادت کنم و نماز بخوانم و در روزهای گرم و طاقت‌فرسا روزه بگیرم.

یعنی می‌خواهد بهشت و نعمت‌های فراوان آن را رها کند و به دنیایی برگردد که در زیر آفتاب سوزان و در روزهای گرم، آواره بیابان شود و افطار او گیاه بیابان باشد.

انسان باید مثل حضرت مریم روزه بگیرد و مانند ایشان اشتیاق به روزهداری داشته باشد. نگرانی از گرمای هوا و طولانی بودن روزها و روزهداری با اجبار و اکراه، نه تنها خوب نیست، بلکه موجب مشقت بیشتر روزهدار می‌شود.

مسلمانان صدر اسلام در ده سال حکومت پیامبر اکرم¹⁷¹؛ هشتاد و چهار جنگ پشت سر گذاشتند. جرجی زیدان که مؤرخ مسیحی است، می‌نویسد: مسلمانان صدر اسلام در حالی می‌جنگیدند که گاهی یک خرما، جیره روزانه دو مسلمان بود و یکی از آنها باید آب خرما را می‌خورد و دیگری از سلف آن استفاده می‌کرد. آن مسلمانان با این اوضاع و با نبود امکانات جنگیدند و پیروز شدند. آنچه توجه می‌طلبد این است که در آن ده سال، ده ماه مبارک رمضان بود و مسلمانان صدر اسلام، در حالی بدون خورد و خوراک و بدون امکانات جنگیدند و پیروز شدند که روزهدار بودند.

مثلاً در تاریخ می‌خوانیم در جنگ احزاب، در آن بیابان گرم حجاز، پیامبر اکرم¹⁷¹؛ و مسلمانان روزهدار بودند. با روزهداری خندق حفر کردند و بعد هم جنگیدند و پیروز شدند.

رزمندگان عزیز کشور خودمان هم؛ چه پیر و چه جوان؛ در هشت سال دفاع مقدس، در گرمای جنوب، جنگیدند و از کشور دفاع کردند و در آن دوران، در هشت ماه مبارک رمضان هم در حالی که روزهدار بودند جنگیدند. در پشت جبهه هم مردم و به خصوص خانم‌ها در حالی که تشنه و گرسنه بودند، زحمت می‌کشیدند و هرچه داشتند، برای رزمندگان می‌فرستادند و نتیجه ایثار و عبادت خالصانه آنان پیروزی مردم بر دنیا شد؛ زیرا در آن دوران ما با دنیا با تمام تجهیزات جنگی که داشتند در حال جنگ بودیم.

بنابر این افراد عادی و کسانی که عذر جدی ندارند، حق ندارند بگویند نمی‌توانیم روزه بگیریم و نباید گرما یا طولانی بودن روزها یا تشنگی و نظایر آن را بهانه کنند و روزه نگیرند. بلکه هر کس، حتی آنان که به اقتضای شغلی که دارند، از گرمای شدید و تشنگی رنج می‌برند، باید با در نظر گرفتن ارزش معنوی روزه و برکات و فضائل بی‌نظیر آن، با اشتیاق کامل روزه بگیرند تا بتوانند در روز عید فطر از برکات و پاداش‌های الهی بهره‌مند گردند.

مختصات روزه حقیقی

پیامبر اکرم^ص؛ 171# با یک جمله در پاسخ به سؤال امیرالمؤمنین^ع؛ 171# مختصات روزه حقیقی و روزه مقبول را ترسیم فرمودند. بنابر فرمایش آن حضرت، روزه واقعی آن است که روزه‌دار، علاوه بر شکم، چشم و گوش و زبانش روزه باشد، یعنی اعضا و جوارح او تحت کنترل او باشد. چشم او آلودگی نداشته باشد و مناظر تحریک‌آمیز و شهوت‌انگیز و برنامه‌ها و فیلم‌های مبتذل و حرام و حتی بیهوده را نبیند. گوش او به شنیدن حرف‌های حرام و موسیقی‌های مبتذل آلوده نشود. زبانش دروغ نگوید، غیبت نکند، سخن‌چینی نداشته باشد و حرف‌های بیهوده هم نزند. به جای آن ذکر بگوید، با خداوند ارتباط داشته باشد و هر چه می‌تواند قرآن بخواند.

فضیلت خواندن قرآن در ماه مبارک رمضان

قران کریم در یک آیه بر خواندن مکرر آیات الهی تأکید می‌ورزد و تأکید آن منحصر به فرد است:

171#؛ فَاَقْرَأْ مَا تَبَيَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأْ مَا تَبَيَّرَ مِنْهُ [8]؛ این تأکید به خواندن قران کریم، مربوط به ایام عادی است و اما درباره ماه مبارک رمضان که خواندن یک آیه از قرآن، ثواب یک ختم قران را دارد، بر تأکید آن می‌افزاید.

واقعاً رها کردن خواندن قرآن و انس با قرآن و ارتباط با خداوند و اتلاف وقت با دیدن فیلم‌ها و برنامه‌های مبتذل و دست‌کم بیهوده، حماقت نیست؟

اگر انسان به جای ذکر و ارتباط با قران، غیبت کند، تهمت بزند و دروغ بگوید، جهالت و دیوانگی خود را اثبات نکرده است؟

سه توصیه مهم

در پایان توصیه من برای درک بهتر ماه مبارک رمضان این است که: اولاً باید در یک ماه پیش رو همه با خدا آشتی کنند و به سویی او بازگردند، همه مراقب باشند گناه در زندگی نباشد، که گناه زندگی را تباه می‌کند و به خصوص چشم و گوش و زبان انسان باید تحت کنترل او باشد و به گناه و معصیت و حتی بیهودگی مبتلا نشود.

ثانیاً در یک ماه، همه باید در مساجد، در نماز جماعت، در جلسات ختم قران و دعا، شرکت فعال داشته باشند و از وقت پر ارزش خود در جهت رشد معنوی و پیشرفت رو به کمال استفاده کنند.

یکی از مصائبی که امروزه گریبان مردم را گرفته، این است که متأسفانه مساجد آن طور که شایسته است، پر از جمعیت نیست و این بلای بزرگی است که باید دست کم در ماه مبارک رمضان جبران می‌شود.

ثالثاً در ماه مبارک رمضان به خواندن قرآن اهمیت بدهند و دست کم روزی یک جزء قرآن بخوانند تا در پایان، یک ختم قرآن که معادل بیش از شش هزار مرتبه ختم قرآن ثواب دارد، در پرونده اعمال ثبت شود. و اگر نمی‌شود، هرچه انسان می‌تواند باید قرآن بخواند و دست کم در راه و در حین کار باید سوره‌هایی که حفظ هستند را مرتب بخوانند تا دست کم به این اندازه از برکات ماه مبارک رمضان استفاده کرده باشند.

=====

پی‌نوشت‌ها

[1]. عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 293.

2.امالي الصدوق، ص 95.

3.من لايحضره الفقيه، ج 2، ص 75.

4.صحيفه نور، ج 13، ص 461.

5.توبه، 105.

6.نهج البلاغه، خطبه 224.

7. ر.ک: ارشاد القلوب، ج 1، ص 200

8. مزمل، 20.